



Budgeting from the Point of View of Fiqh and Resistance Economy

Seyyed Ali Mohamad Yasrebi* and Mohamad Hadi Salim Zadeh**

Received: 20 February 2024 | Received in revised form: 29 April 2024 | Accepted: 05 July 2024 | Published: 30 December 2024

Abstract

Today, it is clear to all that the economy of the public sector and welfare economics are filled with normative discussions, and the relationship between law and economics cannot be denied in any way. One of the subjects that can be examined from an interdisciplinary perspective is government budgeting. The budget, as a policymaking tool at the government's disposal, seeks to allocate limited resources to unlimited needs and desires. Governments must adopt a purposeful approach in preparing and implementing the budget within the framework of the government's general policies. Resistance economy, as the main economic policy in the Islamic Republic of Iran, aims to transform existing economic structures and localize them based on its worldview and objectives. In this regard, the country's budgeting system must align with the principles of a resistance economy. Public funds, annual budgeting, the methods of resource mobilization and allocation, the criteria for effective governance, the role of the government in the economy, and the cultural and faith attachments are all crucial aspects of this discussion. The structured regulation of the foundations and purposes of an acceptable and robust budget, grounded in religious and scientific criteria with a focus on a resistance economy, represents a modest yet significant step in this direction. In summary, this paper discusses the concept of resistance economy, budgeting principles, operational budgeting, oversight, budget comparison, public funds, and the resources for their mobilization and allocation, along with conventional issues in both fields.



Keywords: Resistance Economy, Law, Budget, Operational Budgeting, Criteria and Standards, Public Funds

* Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Farabi Campus, Tehran University, Qom, Iran; Email: myasrebi@ut.ac.ir

** MA Graduate of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran; (Corresponding Author) Email: hadi.salimzadeh1373@gmail.com

□ Yasrebi, E., S.A., & Salim Zadeh, M., (2024)., Budgeting from the Point of View of Fiqh and Resistance Economy. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 2 (2)., 84-104. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.10841.1060>



بودجه از منظر فقه و اقتصاد مقاومتی

سید علی محمد یثربی* و محمد هادی سلیمزاده**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

امروزه بر همه واضح شده که اقتصاد بخش عمومی و اقتصاد رفاه مملو از مباحث دستوری است و به هیچ وجه نمی‌توان رابطه حقوق و اقتصاد را انکار نمود. یکی از موضوعاتی که با نگاه بین‌رشته‌ای قابل بررسی است، بودجه‌ریزی دولت است. بودجه به عنوان ابزار سیاست‌گذاری در اختیار دولت، به دنبال تخصیص منابع محدود به نیازها و خواسته‌های نامحدود است. دولت‌ها باید در تهیه و اجرای بودجه نگاهی هدفمند در چهارچوب سیاست‌های کلی حکومت داشته باشند. اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست اصلی اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به دنبال تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهانی‌بینی و اهداف است. از این جهت نظام بودجه کشور باید منطبق با اقتصاد مقاومتی باشد. بیت‌المال، بودجه‌ریزی سالانه، نحوه تجهیز و تخصیص محورها و ملاک‌ها و شناخت راه‌حل‌ها برای اداره بهینه جامعه و نقش دولت در اقتصاد و پیوست‌های فرهنگی و معنوی است. تنظیم و تحدید ساختاری مبانی و مقاصد یک بودجه مقبول و مضبوط با ملاک‌های دینی و علمی با محوریت اقتصاد مقاومتی، قدمی هر چند کوتاه و متواضعانه در این مسیر نقش‌بند مقاله پیش‌رو است. و به‌طور خلاصه مفهوم اقتصاد مقاومتی، اصول بودجه، بودجه‌ریزی عملیاتی، نظارت، مقایسه بودجه و بیت‌المال و منابع تجهیز و تخصیص آنها و مباحث متعارف در هر دو زمینه بحث نموده است.



کلیدواژه‌گان: اقتصاد مقاومتی، حقوق، بودجه، بودجه عملیاتی، ملاک‌ها و معیارها، بیت‌المال

* استاد تمام، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | myasrebi@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. | hadi.salimzadeh1373@gmail.com

□ یثربی، سید علی محمد و سلیمزاده، محمد هادی. (۱۴۰۳). بودجه از منظر فقه و اقتصاد مقاومتی، پژوهش‌های فقهی مسائل

مستحدثه، ۲(۲)، ۸۴-۱۰۴. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2024.10841.1060>

(۱) مقدمه

دولت‌ها با عنوان چشم‌انداز بلندمدت و توسعه کوتاه‌مدت و بودجه سالانه در برنامه‌ریزی اقتصادی مواجه‌اند. بودجه‌بندی فرایند تخصیص منابع محدود به نیازهای متنوع و احياناً نامحدود و نسبی می‌دانند. قبل از آن باید بودجه بر اساس برنامه توسعه و توسعه بر اساس چشم‌انداز باشد و اصولاً اسناد بالادستی هر نظام سیاسی پایه اصلی بودجه‌بندی باید باشد. به تعبیر علمی راهکار اقتصادی باید بر اساس سیاست اقتصادی توجیه داشته باشد و سیاست اقتصادی بر مبنای اصول موضوعه و ارزش‌های بنیادین پذیرفته شده ملی تنظیم شوند.

از سوی دیگر اقتصاد مقاومتی، کلیدواژه سیاست اقتصادی دهه اخیر است. اقتصاد مقاومتی یعنی، شناسایی حوزه‌های چالش و در وضعیت کنونی شناسایی تحریم‌ها و متقابلاً تلاش برای کنترل و خنثی نمودن فشارها و در وضعیت ایدئال تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها. رهبر معظم انقلاب در راستای اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی و در جهت تعیین سیاست‌های کلی نظام، در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ اقدام به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نمودند.

بودجه به‌عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست‌گذاری دولت، باید در جهت هم‌سویی با اهداف بلندمدت کشور و سیاست‌های کلی نظام باشد. از آنجاکه اکنون، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان استراتژی اصلی نظام است، بودجه ریزان کشور می‌بایست با نگرشی بلندمدت مبتنی بر اصول اقتصاد مقاومتی، موجبات ارتقای بنیه تاب‌آوری اقتصادی را فراهم آورند.

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از این که، چه رابطه‌ای میان بودجه‌ریزی و سیاست اقتصاد مقاومتی مطرح است و به دنبال آن سؤالات فرعی شکل می‌گیرد: مفهوم اقتصاد مقاومتی چیست؟ بودجه و اصول بودجه‌ریزی کدام‌اند؟ شیوه مناسب بودجه‌ریزی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی کدام است؟ ملاک‌های فقهی و دینی بودجه چیست؟

(۲) اهمیت بودجه

بودجه از لحاظ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل مستقل در سطح کلان اقتصاد است و از لحاظ فراگیری نیز گسترده‌ترین سطح را تا دورافتاده‌ترین نقاط کشور و عموم اقشار و طبقات تأثیر داشته چنانچه در قدرت خرید و ارزش پول رایج کشور ایفای نقش می‌کند.

از طریق بودجه کل کشور است که دولت می‌تواند بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل سطح پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری ملی، تولیدات واقعی، مصرف کالا و خدمات، اشتغال، تورم، قدرت خرید، ریال و ارزش خارجی آن تأثیر بگذارد. ولی هم‌زمان بودجه دولت، ابزاری است که اگر درست از آن استفاده نشود یا اینکه دقت در تهیه و تنظیم آن نشود و یا اینکه دائماً کسری داشته باشد و این کسری‌ها از محل استقراض دولت از بانک مرکزی و یا اخذ تسهیلات از سیستم بانکی به‌منظور تأمین نیازهای واقعی کشور تأمین شود خود به بزرگ‌ترین عامل تورمی و منفی و مخرب به حال مردم و اقتصاد کشور و قدرت خرید پول ملی تبدیل خواهد شد (میرزایی اهرشانی، بی‌تا، ص ۳۰)

۳) تبیین اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی بر ارکانی چون مقاوم‌بودن اقتصاد، بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، حمایت همه‌جانبه از تولیدات داخلی، مدیریت مصرف و ارائه الگوی صحیح پیرامون آن استوار است. اقتصاد مقاومتی، معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی نظام سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. این نوع اقتصاد در واقع به دنبال مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلانی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین امری است.

ناگفته پیداست که برنامه دخل و خرج یک کشور، نقش مستقیم و غیر قابل انکاری در به‌کارگیری بهینه منابع محدود در مقابل مصارف نامحدود و فزاینده آن دارد، به‌طوری‌که بدون بهره‌مندی از شیوه‌های مؤثر و کارآمد بودجه‌ریزی، دستیابی به این هدف راهبردی میسر نخواهد بود تا جایی که در نظام جمهوری اسلامی ایران که امروز با نسخه اقتصاد مقاومتی قصد بر سرعت‌بخشیدن در جهت کاهش آسیب‌پذیری، افزایش تاب‌آوری و عدالت اجتماعی را دارد، مضاعف نیز می‌نماید. (ارسطو، ۱۳۹۶)

۴) اصول بودجه

استفاده از کلمه «اصل» برای بیان قواعد و ضوابط بودجه، با توجه به تفاوتی که در ساختار دولت

و اختیارات دولت و نوع حکومت در بین جوامع مختلف وجود دارد شاید چندان مناسب نباشد، لکن استفاده از این واژه در عمده کتاب‌های مالیه متداول است. با قدری مسامحه ما نیز برای بیان خصوصیات بودجه در ایران از همین عنوان استفاده می‌کنیم.

اصول و مبانی مربوط به بودجه و بودجه‌ریزی بر خلاف اصول علوم دقیقه، قواعد و چارچوب ثابت و لایتنیر نیستند، بلکه انعطاف‌پذیرند و قابلیت تغییر دارند. برای مثال لاینر (Liner) اصول بودجه‌ریزی را به اصول ده‌گانه کلاسیک و مدرن تقسیم می‌نماید. این اصول می‌توانند مبتنی بر قوانین و مقررات هر کشور نیز شکل بگیرد، همچنین سیاست‌های مالی و اولویت‌های موردنظر هر دولت در رعایت کامل یا ناقص این اصول مؤثر خواهد بود. اولین بار در سال ۱۸۸۵ لئون سه (Leon seh) اصول بودجه‌ریزی را تدوین کرد. (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲)

۴-۱) اصل سالانه بودن

هر برنامه‌ای برای یک دوره زمانی معین تنظیم می‌گردد. اگر در تهیه و تنظیم برنامه، عامل زمان در نظر گرفتن نشود، پیش‌بینی هزینه اجرای برنامه‌ها و منابع لازم برای تأمین آن‌ها و همچنین کنترل و ارزیابی برنامه در عمل امکان‌پذیر نمی‌باشد.

حسب قاعده، بودجه برای یک سال تنظیم می‌گردد. ۲ استثنا در این اصل وجود دارد: اول؛ اگر بودجه سال آتی تدوین نشد بودجه سال قبل را برای فروردین ماه استفاده می‌کنند که به آن بودجه یک دوازدهم می‌گویند.

دوم؛ نظر به این که دولت اقدام به عملیاتی می‌کند که اجرای آن بیش از یک‌ساله است و منظور کردن همه وجوه معامله در بودجه یک‌ساله موجب بالارفتن حجم بودجه می‌گردد و توازن دخل و خرج دولت را برهم می‌زند، اعتبارات برنامه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

بودجه ماهیتی یک‌ساله دارد و در قانون بودجه باید از پیش‌بینی احکامی که ماهیت بودجه‌ای ندارند خودداری نمود (علوی طبری، ۱۳۷۴، ص ۹۹)

۴-۲) تقدم درآمد بر بودجه

در هر بودجه‌ای مخارج تابعی درآمدها است؛ بنابراین بررسی درآمدها مقدم بر مخارج است. (الوانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۱)

به این معنا ابتدا باید منابع درآمدی و سقف هر یک به طور دقیق پیش‌بینی شود، سپس حجم عملیات و مخارج مورد نیاز برنامه‌ها را معین نمود؛ زیرا اقتصاد به شدت از قدرت خریدی که دولت از مردم کم می‌کند اثرپذیر است و مسائلی از این دست که در اثر تخصیص‌ها به وجود می‌آید.

۴-۳) تعادل بودجه

در ابتدای امر، آنچه از مفهوم تعادل بودجه متبادر می‌شود، تعادل حسابداری است؛ یعنی ظرف منابع با ظرف مصارف متعادل باشد و اگر کسری یا مازادی وجود دارد آشکار گردد. اقتصاددانان کلاسیک تعادل بودجه را به معنای طراز بودن مخارج و درآمدهای عادی دولت شمرده‌اند؛ یعنی تعادل مخارجی که صرف استقرار نظم و امنیت، عدالت اجتماعی و اعمال حاکمیت می‌شود و درآمدهایی که از مالیات به دست می‌آید (توکلی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸) بودجه متعادل یک اصل تلقی شده است، لکن کمتر دولتی است که یک بودجه متعادل را اجرا کند و در شرایط عدم تراز درآمدها و هزینه‌ها، قرضه دولت از مردم یا بانک مرکزی را منظور می‌کنند و به اصطلاح از سیاست کسر بودجه برای ایجاد رشد اقتصادی استفاده می‌نمایند.

امروز وقتی از تعادل بودجه سخن به میان می‌آید تعادل از نظر اقتصادی منظور نظر است.

۴-۴) پیش‌بینی و تقدم

اصل پیش‌بینی و تقدم بودجه قبل از فرارسیدن دوران اجرا امری اجتناب‌ناپذیر است (هاشمی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۶).

دولت و مجلس باید جوری عمل کنند که بودجه هر سال قبل از شروع سال مراحل تصویب را گذرانده باشد.

۴-۵) وحدت بودجه

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای، توسط بخش‌های عمومی و خصوصی انجام می‌شود. برای این منظور لازم است که هر یک از این دو بخش برنامه‌ای مدون داشته باشند تا

با سنجش و ارزیابی عملیاتی آن‌ها از دوباره‌کاری‌ها جلوگیری شود و در حد امکانات و منابع موجود، با صرفه‌ترین راه‌های ممکن را برای اهداف جامعه پیدا کرد. (اقتداری و همکاران، ۱۳۵۴، ص ۶۵)

اصل وحدت بودجه برای این است که هر دستگاه برای خود بودجه‌ای جداگانه بدون لحاظ دستگاه‌های دیگر نداشته باشد و این امکان برای قوه مقننه از نظر تجزیه و تحلیل بودجه فراهم باشد. البته به دلایل مختلف، مثل وقوع درآمدها و هزینه‌های اتفاقی پیش‌بین نشده، متمم بودجه پس از ارائه بودجه تهیه و به مجلس ارائه می‌گردد.

۴-۶) اصل تمرکز عایدات

درآمدهای دولت از منابع مختلف به صندوقی که در اصطلاح «خزانه» نامیده می‌شود واریز می‌گردد و همه سازمان‌هایی که حسب مقررات قانونی مأمور وصول درآمدی هستند باید آن را به خزانه واریز نمایند و در شرایط مشخص و مجاز قانونی از آن پرداخت نمایند.

۴-۷) اصل جامعیت بودجه

دو مفهوم اساسی در این اصل دنبال می‌شود:

۱- دولت بایستی کلیه درآمدها و هزینه‌های خود اعم از عمرانی و جاری و همچنین اعتبارات دستگاه‌های اجرایی اعم از وزارت‌خانه‌ها و شرکت‌های دولتی، مؤسسات دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، نهادهای انقلابی و کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه بهره‌مند می‌شوند را در سند بودجه جمع‌آوری و به مجلس تقدیم کند؛ بنابراین بودجه باید جامع و کامل بوده و تمام درآمدها و هزینه‌های دولت را به شکلی که هست در بر گیرد. (موسی‌خانی، ۱۳۸۵، ص ۴۸)

۲- باید ارقام درآمد و هزینه منظور شده در بودجه به صورت کامل و به شکل ناخالص نوشته شود نه این که با هم تهاتر کنند.

به موازات اصل وحدت، اصل جامعیت بودجه است.

ماده ۴۴ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۱۲ اصل جامعیت بودجه را چنین تعریف می‌کند: «کلیه عواید دولت باید به وسیله متصدیان مربوط مستقیماً به خزانه تحویل شود و کلیه

مخارج در حدود قوانین و نظام‌نامه‌های مربوط و مقررات راجع به هر نوع خرجی به موجب حواله و نظارت مستقیم وزارت مالیه و به وسیله خزانه دولت پرداخت شود.»
در قانون محاسبات عمومی ایران مصوب ۱۵ دی ماه ۱۳۴۹ اصل جامعیت را چنین تعریف کرده است:

«وجودی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار می‌شود در بودجه عمومی دولت وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایران باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی افتتاح می‌گردد تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بدون هیچ‌گونه قید و شرط از وجوه خود استفاده کند.»

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

۴-۸) اصل شمول و تفصیل بودجه

به موجب این اصل، بودجه باید به صورت مشروح و تفصیل تهیه و تنظیم گشته و به مجلس تقدیم گردد. این اصل موجب می‌گردد تا نمایندگان مجلس و نهادهای نظارتی به صورت مؤثر بر بودجه نظارت نمایند.

عدم رعایت اصل شمول، امکان تجزیه و تحلیل توسط مجلس و تشخیص ضرورت اقلام بودجه را منتفی می‌کند. بودجه نمی‌تواند مجموعه‌ای از اعداد باشد؛ بلکه باید در قالب گزارش‌های مفصل توجیهی و مستدل مطرح گردد.

بودجه تفصیلی در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۴۴ و به وسیله سازمان برنامه و بودجه تهیه و به صورت یک کتاب به مجلس ارائه شد (پور مقیم، ۱۳۷۰).

۴-۹) اصل انعطاف‌پذیری بودجه

این اصل، از مفاهیم نوین در بودجه‌ریزی محسوب می‌شود. به وجود آمدن این اصل، هم‌زمان با معرفی بودجه عملیاتی آغاز شده است.

اصل مذکور در زبان مالی به معنای «اصلاح بودجه» بود و عبارت است از تغییر و جابه‌جایی در موارد هزینه‌های دستگاه اجرایی، بدون آنکه در سرجمع اعتبارات مصوب تغییر حاصل شود، به دلیل عدم تطابق پیش‌بینی با واقعیت در زمان تهیه و تصویب بودجه و اعمال بودجه.

۴-۱۰) اصل عدم جابه‌جایی تخصیص

دولت موظف است هر اعتباری را صرف مورد اختصاص بودجه نماید و از جابه‌جایی آن احتراز کند؛ یعنی مطابق آنچه در بودجه تعیین و اجازه داده شده است هزینه نماید.

۵) مراحل درآمد

درآمدهای عمومی دولت از زمان پیش‌بینی تا وصول دارای سه مرحله پیش‌بینی درآمد، تشخیص درآمد و وصول درآمد است.

حدودی از توزیع اعتبار در اختیار مدیران قرار می‌گیرد. مورد دیگر ارائه متمم بودجه به دلیل افزایش درآمد یا کاهش آن است.

تبصره نیز جهت اصلاح بودجه، در اختیار دستگاه برنامه‌ریزی کشور یعنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قابل تغییر است.

۶) انواع روش بودجه‌ریزی

۱) بودجه خطی سنتی یا متداول (Line Budgeting): معمولی‌ترین بودجه‌ای که در

سازمان‌ها استفاده می‌شود، بودجه خطی است که به ساده‌ترین نحو برای مبالغ خاصی تهیه شده و به خریدهای عمومی می‌رسد.

۲) بودجه‌ریزی خطی ساده‌ترین روش برای جمع‌آوری داده‌هاست که به‌طور کلی بر مبنای مصارف سال‌های قبل است. (امیر کبیری و همکاران، ص ۱۲-۲۳)

۳) بودجه افزایشی (Incremental Budgeting): حجم عملیات دستگاه را ثابت

فرض می‌کند و افزایش یا کاهش هزینه‌ها را در برابر حجم عملیات ثابت مقایسه و برآورد می‌نماید که به «نگهداشت سطح عملیات» مرسوم است. در صورتی که

در بودجه سطح عملیات توسعه یابد یا وظیفه جدیدی به دستگاه اجرایی محول گردد آثار مالی آن به تفکیک در بودجه منظور می گردد. (فرزب، علیرضا، ۱۳۸۱، بودجه ریزی دولتی در ایران، مؤسسه مالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی؛ تهران؛ چاپ اول)

(۴) بودجه برنامه ای (Program Budgeting): بودجه ریزی برنامه ای هست که در آن اعتبارات سازمان های دولتی بر حسب وظایف برنامه ها و فعالیت هایی که آنها باید در سال مالی اجرای بودجه برای نیل به هدف های خود انجام دهند پیش بینی می کند.

(۵) در بودجه برنامه ای مشخص می شود که دولت ها و دستگاه های دولتی در سال جاری بودجه ای، در درجه اول چه هدف ها، وظایف و مقاصد مصوبی دارند و در درجه دوم، برای رسیدن به هدف ها و مقاصد مذکور باید چه برنامه ها، عملیات و فعالیت هایی را با چه میزان اعتبارات انجام دهند. (Gordan A, and F. Seller, Accounting and Budgeting system: The Issue of Congruency, journal (and public policy, 2002

(۶) بودجه (برنامه ریزی - طرح ریزی - بودجه ریزی) (Planing programming and Budgeting) با اجرای این روش بودجه ریزی، اعطای اعتبارات به واحدهای اجرایی مستلزم شناخت امکانات موجود دستگاه های اجرا کننده مورد تأکید قرار گرفت. در این سبک بودجه ریزی در اجرای اهداف مشخص با برنامه کار معین و زمان مشخص با شناخت عوامل منابع انسانی، منابع تأسیساتی و تجهیزاتی، منابع مالی لازم اختصاص داده می شود. (فرزب، ۱۳۸۱).

(۷) بودجه ریزی بر مبنای صفر: بودجه ریزی بر مبنای صفر، نوع پیشرفته سیستم «نظام طرح ریزی، برنامه ریزی و بودجه» است که تمام عوامل اجرایی (برنامه ها و فعالیت ها) در حین عملکرد اطلاع رسانی برای بودجه یک ساله بر مبنای صفر، دوباره نویسی می شود و بر طبق این سیستم بودجه به سادگی بر مبنای رضایت از بودجه سال های قبل پایه ریزی می شود. (Mckay.Duncanj.2003, Effective Financial Planning for library and information service. Europa publication;)

۷) بودجه‌ریزی عملیاتی

بودجه عملیاتی عبارت است از یک برنامه سالانه که رابطه میان میزان وجوه تخصیص یافته به هر برنامه با نتایج به دست آمده از اجرای آن برنامه را نشان می‌دهد.

به عبارت دیگر این روش از بودجه‌ریزی، برنامه عملکرد سالانه به همراه بودجه سالیانه که رابطه میان میزان وجوه تخصیص یافته بر هر برنامه با نتایج حاصل از اجرای آن برنامه را نمایان می‌سازد. بدین معنا که با هر میزان مخارج انجام شده در چارچوب هر برنامه‌ای بایستی مجموعه معینی از اهداف تأمین شود. (Mercer, John, Performance Budgeting for Federal Agencies; 2002; p. ; " A performance budget is an integrated annual budget that (...shows the relationship between program funding levels and expected results

بودجه عملیاتی تمامی فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد نیاز در برنامه و همچنین تخمین دقیقی از هزینه فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد (رشیدیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹) که اطلاعات لازم را برای حاکمیت در اختیار قوه مجریه قرار می‌دهد. بودجه عملیاتی مرحله پیشرفته‌تر از بودجه برنامه‌ای است. در قانون بودجه سال ۱۳۵۱ بودجه عمومی، بودجه جاری و عمرانی تفکیک شده بود. در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مفهوم جدیدی وارد نظام بودجه‌ریزی کشور شد که همان ارزش خالص است. بر اساس این مفهوم ارزش‌داری‌های دولت منهای بدهی‌های آن مبنا قرار می‌گیرد و بر اساس آن دو نوع پرداخت تعریف می‌شود.

۱- پرداخت‌های کاهش دهنده ارزش خالص (هزینه)

۲- پرداخت‌های افزایش دهنده ارزش خالص (سرمایه)

۸) نظارت

نظارت، کنترل اجرای عمل و امری است تا شیوه اعمال بودجه به خوبی انجام شود. مسئله حائز اهمیت در کشور، فرایند نظارت بر بودجه است. نظارت بر بودجه نظارتی استصوابی است و دیوان محاسبات عمومی ناظر آن است.

نظارت انواع مختلفی دارد؛ همانند نظارت مالی، عملیاتی، پارلمانی و قضایی که همه اینها زیر نظر دیوان محاسبات انجام می‌گیرد و هدف آن سازوکار مناسب جهت نظارت بر بودجه است.

بودجه سندی مالی است و علی‌القاعده نظارت بر آن نیز نظارتی مالی است بدین ترتیب حسابداری و حسابرسی به‌عنوان ابزار مهم نظارت بر بودجه به‌حساب می‌آید. عملکرد دیوان نسبت به قبل از انقلاب اسلامی بسیار متفاوت است؛ سابقاً نظارت توسط قوه مجریه بود که امری قضایی است.

واگذاری نظارت توسط نمایندگان، سپردن نظارت به ملت از طریق قوه مقننه است. باوجود این اقدام مفید هنوز تا رسیدن به نظارت کامل و کارآمد و مؤثر و با ضمانت اجرای بودجه فاصله زیادی باقی مانده است و باید ملاحظات زیر در آن ملحوظ شود. عدم ارتباط منطقی بین بودجه سالیانه و اهداف و سیاست‌های توسعه و چشم‌انداز موجب نوعی ناکارآمدی گشته است.

مصادیق ابهام و عدم صراحت آن عبارت‌اند از:

- ۱- وجود تبصره‌های متعدد در ماده واحده قانونی است
- ۲- پیش‌بینی مبالغ زیادی از اعتبارات در قالب دریف‌های متفرقه
- ۳- تأکید بر ارائه بودجه متوازن و احتساب منابع استقراض برای پوشش کسری بودجه
- ۴- انتشار اوراق مشارکت و استفاده از تسهیلات خارجی که بیانگر وجود کسری در بودجه کل کشور است
- ۵- ایجاد سازوکار بازخوردی جهت تصحیح اشتباهات و ارزیابی عملکرد بدون سامانه‌های اطلاعاتی مناسب و یکپارچه
- ۶- هم‌راستا نبودن بودجه با برنامه و مسائلی از این دست کارآمدی بودجه مورد داوری اهل نظر و نرسیدن به اهداف موردنظر در یک بودجه‌ریزی عملیاتی تراز قرار می‌دهد

۹) تبلور بودجه‌ریزی عملیاتی در لوایح بودجه:

در جریان بررسی لوایح بودجه سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ راه‌کارهای مختلفی اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت برای انجام اصلاحات درست منابع و مصارف بودجه و مدیریت کسری بودجه دولت توسط مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه شده بود.

در رابطه با لایحه سال ۱۴۰۰ نیز با توجه به کسری قابل توجه و پیامدهای تورمی آن توصیه‌هایی از ناحیه‌ی مرکز پژوهش مجلس به نمایندگان محترم شده بود تا به عنوان محورهای تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد:

- اصلاح نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق موردی
- اصلاح سیاست نرخ ارز ترجیحی
- حرکت به سمت مالیات بر مجموع ثروت
- مالیات بر مجموع درآمد (با تمرکز بر اقشار پردرآمد)
- حذف معافیت مالیات بر سود سپرده‌های بانکی اشخاص حقوقی
- حذف معافیت مالیاتی فعالین بزرگ بخش کشاورزی
- حذف معافیت مالیات بر ارزش افزوده مناطق آزاد و ویژه اقتصادی
- اصلاح معافیت درآمد حاصل از صادرات
- اصلاح نظام انگیزشی سازمان امور مالیاتی در راستای مأموریت‌های ۱۴۰۰
- وضع عوارض بر تراکنش‌های بانکی
- افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده
- اصلاحات در حوزه مصارف
- اجرای سیاست پرداخت به ذی‌نفع نهایی
- بازنگری در سیاست افزایش حقوق کارمندان دولت
- کنترل هزینه‌های عمومی دولت با استفاده از سازوکار
- مدیریت هزینه در معاملات دولت با بهره‌برداری از سامانه ستاد
- اصلاح فرایند تخصیص اعتبار و ایجاد انضباط در مجوزهای افزایش هزینه خارج از قانون بودجه

۱۰) بودجه در آینه فقه

۱-۱۰) مقایسه بودجه و بیت‌المال و اهداف مرتبط

واژه بودجه در فارسی از زبان فرانسه گرفته شده و در فرانسه نیز از انگلیسی اخذ شده است.

واژه «بوژت» یک واژه فرانسوی قدیمی است که به کیف چرمی اطلاق می‌گشته که وجوه نقد در آن نگاهداری می‌شده است. کیف چرمی محتوی صورت مخارج و درآمدهای دولت که با خود به پارلمان می‌آورده‌اند به صورت تدریجی معنای اصطلاحی از خود کیف تبدیل به محتویات آن شده است.

قبل از انقلاب مشروطه چنین واژه‌ای در زبان فارسی به کار نمی‌رفته است. پس از آن وارد قانون محاسبات عمومی ایران و زبان فارسی گشته است. (پیرنیا حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵؛ بابایی، بی تا، ص ۸۵)

بیت‌المال از نظر لغوی مرکب از دو واژه «بیت و خانه» و «مال و ثروت» و به معنای خانه ثروت است، در حقیقت بیت‌المال همان خانه یا خزانه ثروت عمومی و دولتی است. بیت‌المال امروز با گذشته از چند جهت متفاوت است. منابع گسترده مثل نفت و معادن متنوع زیرزمینی و عمده آن به محصولات کشاورزی و دامداری، محدودیت مکان و نحوه نگهداری و تخصیص نیز مختلف است. سیستم بانکی خزانه و نحوه گردش پول و نیز شیوه توزیع با قدیم متمایز است. بیشتر سرمایه‌های بیت‌المال صرف کارهای عام‌المنفعه می‌شود و فقط به صورت توزیع نقد پول بین مردم نمی‌باشد. اصل ثابت در گذشته دارد و آن است که بیت‌المال و بودجه با عقل و تدبیر در مورد مناسب هزینه شود و با عدالت، عقل، تدبیر و سنجیده صورت گیرد. منابع بیت‌المال عبارت‌اند از انفال، فیه، خمس، زکات و مالیات که با نظارت ناظران و مجریان باصلاحیت، تجهیز و تخصیص می‌شود. این مختصر به این جهت تحریر شد که به کاربردن بودجه و بیت‌المال به عنوان دو اصطلاح متناظر، مورد اشکال واقع نشود. (ناظم‌زاده، ۱۳۹۶)

۱۰-۲) بیت‌المال و تقوای اقتصادی

برای تخصیص اموال عمومی باید به اصولی توجه داشت تا این تجهیز و تخصیص مطابق با اهداف نظام اسلامی باشد. قانون اساسی هر نظام ناطق به اهداف آن است. بودجه تابع برنامه توسعه و توسعه تابع قانون چشم‌انداز و قانون چشم‌انداز تابع ضوابط بالادستی در قانون است.

۱۰-۳) امانتی بودن اموال عمومی

اموال عمومی در دست حاکم امانت است و از آن خداوند است و برای امت مصرف می‌شود.

حاکم وظیفه دارد این اموال به بهترین شیوه مراقبت کرده برای اهلش صرف کند. او امانت‌دار است و عدم برخورد صحیح با آن خیانت تلقی می‌شود و یا حداقل ضمانت آور است.

امیرمؤمنان (ع) به یکی از یاران خویش که خواستار مال بود فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ، وَإِنَّمَا هُوَ فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ وَجَلْبُ أَسْيَافِهِمْ؛ فَإِنْ شَرَكْتَهُمْ فِي حَرَبِهِمْ كَان لَكَ مِثْلُ حَظِّهِمْ، وَ إِلَّا فَجَنَازَةٌ أَيْدِيهِمْ لَا تَكُونُ لِغَيْرِ أَفْوَاهِهِمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲).

«این مال از آن من و تو نیست بلکه ((فیء)) مسلمین و حاصل پیکار آنان است اگر در جهاد آن شریک هستی برای تو مثل سهم آنان است و گرنه دسترنج آنان برای غیر آنان نیست.»

آن حضرت با آنکه بهره‌مند از جایگاه ولایت الهی است، اموال عمومی را حاصل عمل مردم دانسته و خود را امانت‌دار می‌داند که باید آن را به اهلش برگرداند. ملاحظه کنید.

عقیل از من بارها درخواست تعدادی گندم شما را می‌کرد و می‌پنداشت که من دینم را می‌فروشم، آهنی داغ کرده و نزدیک بدن او قرار دادم تا عبرت گیرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲).

امیرمؤمنان علیه‌السلام مصرف بیجا و توزیع نامناسب را مستحق آتش جهنم و ظلم به بندگان خدا می‌داند. وقتی حضرت را در مورد تقسیم مساوی اموال بیت‌المال سرزنش کردند ایشان فرمودند «لو كان مال لي لسويت فكيف ان المال مال الله» اگر مال خودم بود به تساوی تقسیم می‌نمودم؛ چگونه به تساوی تقسیم نکنم، حال آنکه مال خداوند است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)

۱۰-۴) تساوی تقسیم در بیت‌المال

سیاست پیامبر (ص) آن بود که اموال به نحو تساوی بین مسلمین تقسیم شود. بعد از آن حضرت، آن‌طور که در تاریخ آمده است این رفتار دستخوش تغییر و تبدیل واقع شد که فعلشان حجت نیست؛ بلکه محکوم و مطرود بوده است. لکن امیرمؤمنان سیاست تقسیم مساوی را احیا فرمود. خانمی عرب و خانمی غیرعرب نزد مولی علی (ع) آمدند به هر کدام تعدادی درهم و یک گُر گندم دادند، خانم عرب عرضه داشت آیا به من همان می‌دهی که به زن غیرعرب می‌دهی؟ حضرت فرمودند: در کتاب نگاه کردم تفاوتی بین فرزندان اسماعیل و اسحاق نیافتم (بیهقی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۹).

اموالی از اصفهان آمد آن هفت جز تقسیم نمود. یک عدد نان اضافه آمد و آن را هفت جزء کرد و به هریک، یک جزء نهاد پس میان مردم قرعه زد تا گروه اول معلوم شود.

امیرمؤمنان در ابتدای حکومت، روش پیامبر (ص) را در تقسیم بیت‌المال تشریح نمود و اعلام فرمود که بیت‌المال به تمام مسلمین تعلق دارد و هیچ کس بر دیگری فضیلت و برتری ندارد.

۱۰-۵) پرداخت در محل دریافت

اولویت پرداخت اموال دریافتی و توزیع آن در همان محل دریافت است؛ آن وقت است که مردم مطمئن می‌شوند که دارایی‌ها و مالیات‌های منطقه آنان به درستی هزینه می‌شود. امیرمؤمنان علیه‌السلام در نامه قثم بن عباس به فرماندار مکه می‌فرماید: «در اموال خدا که نزد تو جمع شده به دقت نظر کن و آن را به دست عیالواران و گرسنگان محل خود برسان و مازاد آن را برای تقسیم میان نیازمندان نزد ما ارسال کن» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ۱۴۰۸، ج ۷ ص ۳۸-۳۷) رسول خدا (ص) زکات بادیه‌نشینان را میان اهل بادیه و زکات شهرنشینان را میان اهالی آن تقسیم می‌کرد.

آن حضرت و پیامبر به معاذ بن جبل به جمع‌کنندگان زکات دستور داد تا زکات را از اغنیا بگیرند و میان فقرا در همان منطقه توزیع کنند (بیهقی، ۱۳۸۵، ص ۹۰۸) برخی از فقیهان نقل زکات را باوجود مستحق در محل جایز می‌دانند درعین حال هزینه آن در منطقه اخذ را مطابق احتیاط و پسندیده می‌دانند.

۱۱) عدالت اقتصادی و توسعه

در تعارض بین عدالت و توسعه، اصل عدالت مقدم است. در یک برنامه‌ریزی دست و علمی همان‌طور که به جز صاحب‌نظران بررسی و نتیجه‌گیری کرده‌اند بین عدالت و رفاه و توسعه و قوا نه تنها تعارض ذاتی وجود ندارد؛ بلکه همه این عناوین از یک خانواده‌اند. رفع فقر، تأمین ابزار کار، جلوگیری از سلطه اقتصادی و انحصار از جمله راه‌های تحقق عدالت است. در یک کلام توسعه اقتصادی در پرتو عدالت معنی و مفهوم می‌یابد و گرنه توسعه هم ناپایدار خواهد بود.

۱۲) صندوق ذخیره

حسب سیره پیامبر گرامی (ص) در هزینه‌کرد بیت‌المال ذخیره‌نکردن آن و تسریع در صرف آن و تأمین نیازهای ضروری بوده است. (سنن ابی‌داود، بی‌تا، صص ۱۵۲-۱۵۱)

در حدیثی از آن حضرت نقل شده است که فرمودند اگر به اندازه کوه اُحد طلا داشته باشم خوشحال می‌شوم که قبل از گذشت روز سوم چیزی از آن باقی نماند مگر مقداری که برای بدهکاری کنار می‌گذارم. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۰)

خلاصه در آمد سالانه برای هزینه‌های سالیانه است و لازم نیست آن را برای سال‌های بعد ذخیره نمود البته اگر تأمین امور مالی امری نیاز به پس‌انداز داشته باشد و در شرایط اضطراری، جنگ دفاعی و زلزله و سایر حوادث غیرمترقبه لازم باشد هزینه‌های احتیاطی ذخیره می‌شود و این با مبنای رسول خدا (ص) منافاتی ندارد.

امام علی (ع) هم در برخی از اوقات چهار بار در سال اموال اضافی بیت‌المال را تقسیم می‌کردند و می‌فرمودند من خزانه‌دار اموال شما نیستم؛ بلکه اموالتان را بین شما تقسیم می‌کنم. آری اگر هزینه کرد فردی و برای بهبود معیشت مردم باشد موجب نارضایتی عمومی و ذخیره کردن‌های بیجا نمی‌شود و لازم نیست دولت برای حفظ خود به استبداد رو آورد، چنانچه در تاریخ اتفاق افتاده است.

۱۳) رعایت حدود

عمال حکومتی حق برداشت بیش از سهم خود را ندارند. پیامبر (ص) خود به مقدار کمی اکتفا می‌فرمودند. امیر مؤمنان کوشید سیره مبارکه پیامبر (ص) را احیا کند. زهد حضرت و نامه همراه با عتاب ایشان به عثمان ابن حنیف مشهور است.

او نه تنها از اموال عمومی برداشت نمی‌کرد؛ بلکه بخش مهمی از اموال شخصی را نیز میان مردم تقسیم می‌کرد. عنتره از یاران حضرت در خورتق بر او وارد شد در حالی که لباس کهنه پنبه‌ای در برداشت و از سرما می‌لرزید. گفت یا امیرالمؤمنین خداوند برای تو و خانواده‌ات در این مال سهمی قرار داده است چرا با خودت این گونه رفتار می‌کنی؟

حضرت فرمودند: از اموال شما چیزی بر نمی‌دارم و این لباسی است که هنگام خروج از مدینه آورده‌ام و لباس دیگری ندارم.

هنگام ورود به کوفه دستور داد اموال و اثاث خانه او را از مدینه بیاورند. به مردم کوفه فرمود اگر هنگام خروج از کوفه غیر از این اثاث و مرکب و غلام را همراه داشتم خائن هستم. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۰۰).

هزینه زندگی خود را از درآمد باغات خود در مدینه تأمین می‌کرد در حالی که مردم نان و گوشت می‌داد و خود از نان نرم شده با روغن استفاده می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۰۰).

در هر صورت هزینه‌های مسئولان باید به مقدار ضرورت باشد و این اصل مهم و اساسی در حرف بیت‌المال است. مردم نمی‌توانند بپذیرند که مدیران دولتی با استفاده از بیت‌المال و مالیات‌ها زندگی مرفهی خارج از حدود داشته باشند.

نتیجه‌گیری

این مقاله در حدود دوازده عنوان اصلی از موازین متعارف بودجه‌ریزی سالانه دولتی را با دو قید اختصار و استدلال متوسط مورد بررسی قرار داد و برخی نکات کور بودجه‌بندی را همراه با راه‌حل‌های موردی و کلی با استدلال و استناد مورد توجه و مطمح نظر قرار داد و در حقیقت با تلفیق ملاک‌های حقوقی و تحلیل‌های اقتصادی به سبک میان‌رشته‌ای نگاهی نو و پیشرفته را آزمود تا در قدم‌های بعدی مسائل مورد انتظار را پاسخ دهد و با پاسخ‌های راه‌گشا و هدفمند به توسعه افقی و درعین حال عمودی را با هم در یک آینه واحد ملاحظه نموده باشد.

منابع

۱. ابراهیمی نژاد، مهدی، فرجوند، اسفندیار (۱۳۸۱). **بودجه از تنظیم تا کنترل**. تهران: انتشارات سمت.
۲. ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۸). **شرح نهج البلاغه**. بی‌جا.
۳. ارسطو توحید، حمید، علوی، بهار (۱۳۹۶). **واکاوی روش بودجه‌ریزی کشور، همسو با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی**. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، شماره ۱، صفحه ۲۰۴ تا ۲۳۹.
۴. اقتداری و دیگران (۱۳۵۴). **بودجه**. چاپ اول. تهران: دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
۵. امیرکبیری و همکاران (۱۳۹۳). **بودجه‌ریزی عملیاتی، ابزاری برای شفاف‌سازی رابطه بین «منابع» مصرف‌شده و نتایج به‌دست‌آمده در سازمان**. ماهنامه علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۷۴، ص ۱۲ تا ۲۳.
۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۳۸۵). **حیة الأنبیاء**. بیروت: دارالمعرفه.
۷. توکلی، احمد (۱۳۸۶). **مالیه عمومی**. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۸. رشیدیانی (۱۳۸۹). **بودجه**. پایان‌نامه پردیس فارابی.
۹. رضایی، مجید (۱۳۸۹). **مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام**. انتشارات سمت. تهران.
۱۰. السجستانی، ابو داوود (۲۷۹ق). **سنن ابی داود**. بی‌جا.
۱۱. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). **سقوط تعهدات**. چاپ ششم. تهران: انتشارات مجد.
۱۲. علوی طبری (۱۳۷۴). **اصول بودجه دولتی**. انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۳. فرزیب، علیرضا (۱۳۸۱). **بودجه‌ریزی دولتی در ایران**. چاپ اول. تهران: مؤسسه مالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۵. قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۱۲ و ۱۳۴۹
۱۶. مجموعه لوایح و قوانین بودجه مصوب مجلس شورای اسلامی
۱۷. میرزایی اهرشانی، حسن. (بی‌تا). **اصول تنظیم و روش‌های کسری بودجه**. جزوه درسی دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
۱۸. موسی‌خانی، مرتضی، منشی‌زاده، مسعود (۱۳۸۵). **اصول و مبانی نوین نظام بودجه در ایران**. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
۱۹. ناظم‌زاده، اصغر (۱۳۹۶). **بیت‌المال «اهمیت منابع حالی شرایط ناظران، عوامل بازدارنده و کیفر خائن»**. قم: بوستان کتاب.
۲۰. **نهج البلاغه**.
۲۱. الوانی، مهدی (۱۳۷۶). **تقسیم بندی و تعیین خط و مشی دولتی و غیر انتفاعی**. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. هاشمی، مهدی (۱۳۷۷). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی جلد ۲**. تهران: انتشارات دادگستر.

23. Gordan A, and F.E.Seller. (2002). Accounting and Budgeting system: The Issue of Congruency. Journal and Public Policy.
24. Mckay, Duncan j. (2003). Effective Financial Planning for Library and Information Service. Europa Publication.
25. Mercer, John. (2002). Performance Budgeting for Federal Agencies.

Reference

1. Al-Sajistani, A. D. (279 AH). *Sunan Abi Dawood*.
2. Alavi Tabari. (1995). *Principles of Government Budgeting*. Tehran: Payame Noor University Press.
3. Alvani, M. (1997). Classification and Determination of Governmental and Non-Profit Policies. Tehran: SAMT Publication.
4. Amirkabiri, A. (2014). Operational budgeting: A tool for clarifying the relationship between consumed "resources" and achieved results within organizations. *Scientific and Cultural Monthly of Work and Society*, 174, 12-23.
5. Arastou Tohid, H., & Alavi, B. (2017). Analyzing the budgeting method of the country in alignment with the overarching policies of a resistance economy. *Quarterly Journal of National Defense Strategic Management Studies*, 1(1), 204-239.
6. Beyhaqi, A. ibn H. (2006). *Hayat al-Anbiya*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
7. Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1990).
8. Eqtedari et al. (1975). *Budget*. First edition. Tehran: Faculty of Administrative Sciences and Business Management, University of Tehran.
9. Farzib, A. (2002). *Government Budgeting in Iran*. First edition. Tehran: Financial Management and Planning Education and Research Institute.
10. Gordan, A., & Seller, F. E. (2002). Accounting and Budgeting Systems: The issue of Congruency. *Journal of Public Policy*.
11. Hashemi, M. (1998). *Constitutional Law of the Islamic Republic, Vol. 2*. Tehran: Dadgostar Publication.
12. Ibn Abi al-Hadid. (2008). *Sharh Nahj al-Balaghah*.
13. Ibrahimy Nejad, M., & Farajvand, E. (2002). *Budget: From Formulation to Control*. Tehran: SAMT Publication.
14. Iranian Parliament. (1933). *Public Accounting Act* [Law No. 1312] and *Amendments to the Public Accounting Act* [Law No. 1349].
15. Iranian Parliament. (n.d.). Collection of Budget Bills and Laws Approved by the Islamic Consultative Assembly.
16. Mckay, D. J. (2003). Effective financial planning for library and information services. Europa Publication.
17. Mercer, J. (2002). Performance budgeting for federal agencies.
18. Mirzaei Aharshani, H. (n.d.). Principles of budgeting and methods for addressing budget deficits. Course notes, Faculty of Administrative Sciences and Business Management, University of Tehran.
19. Mousakhani, M., & Monshi Zadeh, M. (2006). *Principles and modern foundations of the budgeting system in Iran*. Fourth edition. Tehran: Qazvin Islamic Azad University.
20. Nahj al-Balaghah.

21. Nazemzadeh, A. (2017). Public funds: The importance of real-time resources, monitoring conditions, deterrent factors, and penalties for offenders. Qom: Baghe Ketab.
22. Rashidiani. (2010). *Budget*. MA Thesis, Farabi Campus, Tehran University, Tehran, Iran.
23. Rezaei, M. (2010). *An introduction to public finance in Islam*. Tehran: SAMT Publication.
24. Shahidi, M. (2007). *The Extinction of Obligations*. Sixth edition. Tehran: Majd Publication.
25. Tavakoli, A. (2007). *Public Finance*. First edition. Tehran: SAMT Publication.